قزاق ایران

جریدهء«یوتلند پوستن»که در دانمارک طبع میشود جدولی را وقایع هولناکی که بر سر ولیعهد آلمان در عرض این مدّت جنگ آمده بدان‏ نحو که جریدهء«نیویورک هرالد»بقرّاء ساده‏لوح خود در ازمنهء مختلفه‏ القا نموده است ترتیب داده که ترجمهء آن از اینقرار است:

«کم آدمی است در دنیا که آنچه بر سر ولیعهد آلمان از ابتدای جنگ‏ تا بحال آمده است بر سر او بیاید و او بتواند همهء آنها را تحمّل نماید از قرار مندرجات«نیویورک هرالد»سرگذشت زندگی ولیعهد آلمان از قرار ذیل است:در 5 اولت 1914 در برلن سوء قصدی نسبت بولیعهد اتّفاق افتاد.در 17 اوت در سرحدّ فرانسه وی بشدّت مجروح شده‏ او را بیک مریضخانهء در اکس‏لاشاپل حمل نمودند.دو روز بعد در برلین بواسطهء یک سوء قصدی مجدّدی نسبت بوی یک پای خود را از دست داد.و از اینجا معلوم میشود که چرا وی در 4 سپتامبر خود را کشته از این دار فانی بدرود نمود.ولی وی نمیدانست که آنچه بر سر او تا آنوقت آمده نسبت بچیزهائی که بعد بایستی بیاید هیچ بوده است! در 13 سپتامبر وی در یک مریضخانهء در بروکسل وفات نمود در حالتی‏ که صورت او را در زیر یک نقابی پنهان کرده بودند.در 15 سپتامبر وی با قشون خود حملهء سختی بر وردن(فرانس)بر و روز بعد بواسطهء یک گلولهء«شراپنل»در پولونی مجروح شد.18 اکتوبر وی‏ مجدّدا در میدان حرب فرانسه مجروح گردید و 20 همان ماه زوجه‏اش‏ برای پرستاری او بر بالین مرگ او حاضر شد.25 اکتوبر ویرا در میدان جنگ مرده یافتند.3 نوامبر وی مجدّدا مدفون گردید.فردای‏ آنروز یک گلولهء فرانسوی او را کشت.8 نوامبر وی دیوانه شد و او را بیک قصر دوردستی حمل کردند.دورهء این مرض جنون باندازهء کوتاه بود که در 13 نوامبر توانست که سرکردگی کلّ قشون میدان‏ شرقی را بعهده بگیرد.ولی بدبختانه در اینجا در 17 نوامبر وی زخم‏ مهلکی برداشت.در ماه دسامبر ظاهرا باو یک اجازهء مرخّصی برای‏ عید میلاد مسیح دادند و قطعا وی این مرخّصی را خوب بموقع استعمال‏ باید گذارده باشد.16 ژانویه وی مجدّدا مجروح شد.باوجوداین‏ همه صدماتی که در راه وطن کشیده بود معهذا در 3 مارس او را از سرگردگی قشون معزول کرده بخانهء خود فرستادند تا زن و بچهء خود را ببیند.ولی معلوم میشود ویرا کاملا بطور محبّت در خانهء خود پذیرائی‏ نکرده‏اند زیرا که شاهزاده زوجه‏اش مجبور شد که او را از یک زخم گلوله‏ که کمی بعد بوی رسیده بود معالجه نماید».

اینست نمونهء از آنچه همه روزه جراید ضدّ آلمان بحلق قرّاء خود میریزند.ولی عجب‏تر از این آنست که میلیونها از خوانندگان هستند که هیچ متلفت نمی‏شوند که جریده‏نگاران روزانه بریش ایشان‏ می‏خندند!

قزّاق ایران

فوج قزّاق ایرانی که از بلایا و بدبختیهای ایران است که کسی نیست‏ ثمرات تلخ آن شجرهء خبیثه را که ناصر الدّین شاه کاشت مسبوق نباشد.

این دسته دشمن داخلی در سال 1296 بعد از عودت ناصر الدّین‏ شاه از فرنگ ایجاد شد.مشار الیه در قفقاز و ایروان از لباس نظامی‏ و ترتیب قزّاق روسی خوشش آمده خواست که برای کشیک مخصوص خود دستهء قزّاقی بترتیب روسی تشکیل کند و بدین جهت چهار صاحبمنصب و پنج‏ نفر صاحبمنصب جزء روسی برحسب خواهش وی مأمور تشکیل یک‏ عدّه قزّاق پانصد نفری در«رکاب مبارک»شدند.قرارداد منعقد میان‏ صاحبمنصب اوّل روسی قزّاقخانه که درجهء سرتیپی داشت و دولت ایران‏ حکم و اختیار قشون مزبور را منحصر بشخص پادشاه میکرد و بدینواسطه‏ از قوای نظامی دولتی مجزّی میشد.اوّلین سرتیپ روسی مأمور تشکیل‏ قزّاق ایرانی دومونتویچ فقط پانصد نفر قزّاق میبایست تشکیل بدهد، بعدها بتدریج قزّاقخانه از حیث عدد و مخارج سالیانه وعدّه و بالخصوص‏ اختیارات و امتیازات متّصل وسعت میگرفت.در عهد وزازت جنگ‏ آقا وجیه سپهسالار سرتیپ روسی قزّاقخانه بعنوان قوانین و قواعد نظامی‏ یک جزوه قانوننامه نوشته و دستخطّ و صحّهء همایونی را بر مجری بودن آن‏ تحصیل کرد.این فصول راجع بترتیبات فوج مزبور دارای اختیارات‏ زیاد و حقوق متعدّدی بود برای صاحبمنصب روسی از عزل و نصب و انجام‏ دادن و اخراج و تنبیه و غیره و اگرچه آنها بموجب فرمان برقرار شده‏ بود و جزو موادّ یک قرارنامهء میان ایران و روس یا صاحبمنصب مزبور نبود باوجوداین باز آنها را همیشه مجری داشته و حقّ دولت ایران را در نسخ یکی از آن موادّ قبول نکردند.در ایّام مشروطیّت ایران هر صاحبمنصب ایرانی قزاقخانه که با ملّتیان و آزادی‏طلبان همدردی داشت‏ و بمیل قلبی روسها مخالف بود فورا عزل و اخراج میشد.و این فقره‏ سبب این شد که در قزّاقخانه فقط بدترین اشخاص ایرانی فرومایه و فاسد بمانند و آن فوج خلاصهء شرارت و خیانت باشد.هیچ وقت از عدّه‏ و عدد قزّاقخانه اطّلاعی صحیح بخارج و حتّی بخود اولیای دولت نمیدادند. در مخارج و افزودن و کاستن عدد و مقدار ذخیره و اسلحه آزاد بودند و گاهی گفته میشد که عدد قزّاق خیلی بیشتر از حدّ معلوم است.در اواخر عهد مظفّر الدّین شاه سالی قریب سیصد و شصت هزار تومان از دولت‏ میگرفتند.در عهد دورهء استبدادی محمّد علی شاه بیک کرور بالا رفت. در گرفتن پول محتاج دولت ایران و حوالهء وزیر مالیّه نبودند.بموجب‏ قرارداد استقراض روسی 1317 باید که تمام عایدات گمرکات شمالی‏ ایران مستقیما بصرّافخانهء روسی(بانک)در ایران برسد و او پس از وضع اقساط استقراض باقی را بدولت ایران ردّ کند در این صورت ریش‏ دولت پیش صرّافخانهء روسی که شعبهء وزارت مالیّهء روس در ایران است‏ گیر است.سرتیپ روسی در سر موقع مخارج لازمه را که خود ضرر می‏بیند بدون مشورت احدی از صرّافخانهء مزبور بعنوان قرض میگیرد. آن اداره نیز آن وجه را با تنزیل بحساب دولت آورده از پول دولت که‏ پیش اوست اخذ میکند.عدد قزّاق رسما یک فوج سواره(بریگاد) مرکّب از 600'1 سواره و پیاده بود لکن بنان بر اطّلاعات اخیره گویا به پنج هزار و پانصد نفر مرکّب از چهار فوج سواره و دو گروهان پیاده‏ و دو باطری توپ کوهستانی و دو قطعه توپ مسلسل رسیده بوده است. بعد از دستبرد مشروطیّت در 1330 دولت روس در جزور امتیازات زیادی‏ که در زیر تهدید از حکومت آنوقت تحصیل کرد یکی هم تشکیل یک‏ قزّاقخانهء ایرانی تازه بود در تبریز مرکّب از هشتصد نفر که بدین ترتیب‏ میخواستند کم‏کم شعب این اداره را در ولایات شمالی بتدریج برقرار کنند. ضدّیّت شدید و کارشکنی جدّی که روسها برای پیشرفت قراسورانی جدید میکردند بیشتر برای آن بود که بجای آن قوّهء قزّاق ایرانی بنا کنند.

قزّاق ایرانی همیشه برخلاف ملّت ایران و مقاصد ملی حرکت کرده‏ و آلت دست دشمن بوده است.توپ‏بندی مجلس ملّی در 1326 بدست لیاخوف و قزّاقهای او و جنگ قزّاقها بعد از آن با ملّتیان در تبریز و قزوین و سایر نقاط و آلت استبدارد و جور شدنشان در طهران مردم را از این دسته بسیار متنفر کرد و انحلال آنرا از اوّلین آمال ملّی میشمردند. در ورود مشروطه‏طلبان بطهران و عزل محمّد علی شاه از سلطنت یک‏ از شرایط تسلیم شدن قزّاقها بمجاهدین تعهّد کتبی صاحبمنصبان قزّاقخانه‏ بتود باطاعت از دولت و وزیر جنگ که باز بعدها هیچ عمل بآن تعهّد نکردند.

اینک روزنامهای طهران خبر میدهند که اولیای دولت ایران مصمّم بر افزودن عدّهء قزّاق شده و حکم داده‏اند تا شمارهء آنرا بده هزار نفر برسانند. معلوم است که این اقدام یک بنائی است برای تشکیل یک قشون ایرانی‏ برای روس در ایران و مخصوصا برای تخریب بنای قراسوران ملی.

دولت روس از ابتدای دخول ترتیب قشون نظامی در ایران در عهد فتحعلی شاه تا امروز همه وقت در هر جا برای جلوگیری از پیدا شدن‏ قشون ملّی کارشکنی کرده و بانواع دسایس و زوروزر بهم زده است. هیئت معلّمین انگلیسی را با سازش با انگلیسها در عهد عبّاس میرزا در نود سال پیش بهم زد.هیئت معلّمین اتریشی را با هزار دسیسه پریشان نمود. قوای نظامی ظلّ السّلطان را بدسایس شاهزاده دالگاروکی و تحریک امین‏ السّلطان درهم شکست.قوای قراسورانی شوستر را با عزل امریکائیان‏ پاشیده کرد.اینک قوای نظامی قراسورانی تازه باهم بسخت‏گیری مالی‏ و کارشکنی بر ضدّ صاحبمنصبان سوئدی برانداخته و می‏اندازد.

اخبار ایران

بعد از جنگهائی که در نزدیکی همدن در حوالی دولت آباد و اسد آباد و کنگاور واقع شد،مدّتی طولانی قوای ایرانی توانستند مواقع خود را در مقابل حملات روسها حفظ کنند.گردنهء بید سرخ و سایر نقاط مهمّه را که ایرانیان محکم کرده و محافظت میکردند سنگرهائی بود که مراکز اردوی‏ ملّی یعنی سحنه و کرمانشاه را نگاه میداشت.قوای اردوی نظام السلطنه‏ مرکّب از عدّهء الوار و سواران ایل کلهر بسرداری سردار اقبال،و ایل سنجابی بسرداری علی اکبر خان سردار مقتدر،و کاکاوندیها بریاست‏ اعظم السّلطنه،و گورانیها بسرداری سالار منصور و رشید السّلطنه،و ژاندارمها بریاست صاحبمنصبان فرنگی،و قشون نادری بریاست اکبر میرزا صاحبمنصب ژاندارم،و بختیاریها سرکردگی امیر مفخّم و امیر جنگ و ابو القاسم خان،این نقاط پیش‏بندی را مدافعه میکردند.لکن زیادی‏ عدد دشمن و مخصوصا کمی ذخیرهء جنگی باعث آن شد که سرداران اردو تخلیهء کرمانشاه را نیز لازم دانسته به کرند عقب نشستند.

روسها گردنهء بید سرخ را در حدود 17 ربیع الثانی تصرّف نموده و رو بکرمانشاه هجوم آوردند.یک روز بعد بسحنه و دو روز بعد بکرمانشاه داخل شدند.

قوای ایرانی از هر قبیل هنوز کاملا محفوظ و سالم است و بی‏آنکه‏ پریشان شود با انتظام عقب نشسته.در بروجرد و اصفهان و یزد و کرمان و پشتکوه و پیشکوه هم که در دست ملّتیان است قوای جنگی موجود است و مدد باردوی ملّی میرسانند.

علمای نجف و کربلا برای تشویق مسلمین و ابلاغ احکام الهیّه در وجوب جهاد با روس و انگلیس و متّحدین آنها بکاظمییّن آمده و عازم‏ ایرانند.از آنجمله آقای شیخ الشّریعهء اصفهانی،حاجی سیّد مصطفی‏ کاشانی،حاجی سیّد علی آقا داماد آیة الله زادهء خراسانی،آقا سیّد محمّد فرزند آقا سیّد کاظم یزدی،آقا میرزا محمّد رضا پسر آقا میرزا محمّد تقی‏ شیرازی و آقا سیّد محمّد علی شهرستانی میباشند.

وکلای ملّت و پیشروان وطن‏پرستان که نخبه و زبدهء تربیت‏شدگان‏ ایرانند اغلب بخاک عثمانی گذشته و از آنجا قسمت عقلی و سیاسی کار را اداره میکنند و یأس را بر خود راه نداده‏اند.

تبدّل هیئت وزرای ایران

اخبار اخیره حاکی است از اینکه پنج روزه نوبت فرمانفرما و دورهء وزارت او نیز بزودی بسر آمده و جای خود را برای ولی خان سپهدار اعظم خالی کرد.دلیل این تغییر را بدون آنکه سایر همقطاران وزارت‏ جدید معلوم شود نمیتوان درست حدس زد،لکن گویا شکّی نباشد در اینکه یکی از اسباب عمدهء آن مانند همهء تغییرات دیگر تأثیر سیاست خارجی‏ بوده.هر هیئت وزرای جدید که سر کار میآید عادة داخل یک«مذاکرات» جدّی در«اساس روابط خارجی»با سفرای روس و انگلیس شده و«انتظار نتایج حسنه بنان بحسن قبول آقای وزیر مختار روس»داشته مردم و خدشانرا مدّتی بامید قرار قطعی و«تصمیم جدّی»گول میزنند.چندی هم جراید طهران با آب‏وتاب مردم را باقدامات هیئت جدید امید میدهند.ضمنا در این بین که حکومت جدید منتظر تحصیل بعضی مساعدتها از روس و انگلیس‏ است مطالب آنها را در عوض مساعدت آتیه بدولت ایران بتدریج انجام میدهند